اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

یکی از حضار : ما اینجا قبلا به مناسبت همین که

آیت الله مددی : این چاپ جدیدی است ؟

یکی از حضار : نه خیر همان چاپ اول است که قبلا آقای بهبودی هم گفته بود که فقهای شیعه بعد از اینکه ابو ریحان آن مطلب را گفت فهمیدند که عدد باطل است و رد کردند .

آیت الله مددی : اها مثل همان مطلبی که

یکی از حضار : آن وقت ما اینجا نوشتیم که آثار باقیه را در سال ٤٢٧

آیت الله مددی : پس من این ٤٢٨ گفتم برای تالیف کتاب بود می‌گویم آخر این به شیخ مفید ، آن گفت ٤٤٠

یکی از حضار : ٤٤٠ فوتش است .

آیت الله مددی : بله می‌گویم خدای ٤٢٨ در ذهنم است حالا غیر از ابن سینا می‌گویم خدایا ٤٢٨ در ذهن من هست .

یکی از حضار : شیخ مفید ١٤ سال قبل از تالیف آثار باقیه

آیت الله مددی : می‌گویم بعضی وقت‌ها بعضی از مطالب ما شبیه الهام و کشف است می‌گویم خدایا چرا من در ذهنم ٤٢٨ است من ٢٨ بود .

یکی از حضار : بعد دو تا رساله هم شیخ مفید در رد عدد نوشته یکی همین که الان هست به جواب اهل موصل که خواندند

آیت الله مددی : این دومی است .

یکی از حضار : یکی هم مصباح النور فی علامات اوائل الشهور که این هم در رد عدد است

آیت الله مددی : اما به نظرم مصابیح النور باشد .

یکی از حضار : مصابیح النور فی علامات اوائل الشهور .

آیت الله مددی : به نظرم نجاشی مصابیح دارد نه ؟

یکی از حضار : این که دیشب خواندیم مصباح بود .

یکی از حضار : شما از اقبال خواندید یا از نجاشی ؟

یکی از حضار : من از اقبال خواندم .

آیت الله مددی : محمد بن محمد بن مفید

یکی از حضار : اقبال همان مصباح دارد .

آیت الله مددی : من به ذهنم مصابیح من یک اشتباه کردم البته یک مصابیح النور برای علی بن حاتم هست که احتمالا تفسیر قمی باشد این هست البته اما مصباح الان در ذهنم نیست .

یکی از حضار : بله آنجا خیلی گرد و خاک کرده که دویست سال فقهای شیعه به این احادیث جعلی عمل کردند و فتوا دادند تا اینکه منجم آزاده‌ی ایرانی ابو ریحان پیدا شد و آنها را از

آیت الله مددی : بدبخت ایرانی نیست برای ماوراء النهر است نه افغانی هم نیست ترک است برای ماوراء النهر است .

یکی از حضار : نوشته منجم آزاده‌ی ایرانی .

آیت الله مددی : الان ازبکستان به آن می گویند اخیرا رفتند دیگر سمرقند و اینهاست این ازبکستان است ، نه ایران قدیم هم نیست زیر به اصطلاح نه خراسان قدیم هم نیست این آمون دریا که هست یا سیحون جیحون زیرش خراسان است بالایش ماوراء النهر لذا به آن می گفتند ماوراء النهر یعنی ماوراء به اصطلاح آمون دریا .

یکی از حضار : آمون دریا سند است .

آیت الله مددی : نه آمون دریا یک قسمتی از سیحون و جیحون به هم متصلند خیلی بزرگ است به آن می‌گویند آمون دریا ، آمون دریا همان سیحون و جیحون است اینها می آیند می‌روند در خلیج اورال می‌ریزند بالا آن وقت بالای اینها مغولستان است این قسمت ماوراء النهر است من به ذهنم می آید مگر اشتباه کردم باز شرح دیگری است ، ابن بطوطه می گوید اینقدر آنجا سرد بود ده تا بیست تا لباس من پوشیدم برای اینکه گرم بشوم بعد دیدم نمی‌توانم سوار اسب بشوم این همه لباس‌ها مرا برداشتند و روی اسب گذاشتند با همان لباس‌ها برداشتند و روی اسب گذاشتند . ابن بطوطه دارد که این قدر آن جا سرد است بلاد سردسیر است .

یکی از حضار : این مصابیح در نجاشی مصابیح النور منتشر شده است .

آیت الله مددی : می گویم من در ذهنم ، پس آقای مختاری ما خیلی کم کم امیدوار بشویم معلوم شد نجاشی مصابیح نوشته پس کم کم امیدوار بشویم مکاشفات ما گاه گاهی درست در می آید حالا مصباح نوشته مرحوم اقبال نوشته مصباح در ذهن من عرض کردم خوب این

ذهن خیلی ذهن عجیب و غریبی باید باشد این همه کتاب و تاریخ و اسم و افراد و اینها در ذهنم مصابیح النور است به ذهنم ، حالا ببینید شیخ در فهرست چه دارد ؟ آقای مروارید می‌گفت که یک روزی درس آقای شیخ حسنعلی بودیم همین نخودکی ، لمعه را می‌گفت یک جا گیر کرد در این اثناء می‌گفت یک کسی قبل از این خیلی هیکل علمایی و محاسن و عمامه و ... خیلی آقای شیخ حسنعلی احترامش کرد و آن بالا نشاندش و ... گیر کرد به من گفت آمیرزا حسنعلی نگاه کن در حاشیه‌ی لمعه چه نوشته گفتم به شما به من می‌گفت گفت من مشغول خواندم شدم این شیخ یک چرت و پرتی گفت معلوم می‌شود فقط هیکل داشت گفت آقای شیخ حسنعلی هم با کمال ادب گفت آقاجان بی حیایی هم حدی دارد ، گفت آقا جان بی حیایی ، تو که نفهمیدی چرا صحبت کردی ما که نفهمیدیم تو چه گفتی خودت هم فهمیدی چه گفتی ؟ خدا رحمتش کند گفت بی حیایی هم یک حدی دارد ما که نفهمیدیم تو چه گفتی خودت فهمیدی اصلا چه گفتی ؟ خدا رحمتش کند . عجیب قضایایی دارند گذشتگان ما عجب حال و صفایی داشتند واقعا جک‌هایشان هم شیرین بود . بفرمایید .

یکی از حضار : اسم نبردند چون گفتند و غیر ذلک من کتبه مما اومئنا الیه وهو مثبت فی فهرست کتبه .

آیت الله مددی : فی فهرست خیلی خوب بفرمایید .

یکی از حضار : نقل که نمی‌کند .

آیت الله مددی : فهرست ندارد مفید نشنیدیم ، اجازه دارد . شاید فهرست دستی نوشته یک فهرست دستی نوشته باشد . اما در اجازات اسم فهرست ایشان تا الان نیامده است . این آقا خیلی خوب حالا حرف آن آقای چیز بعد آخرش ، عرض کردم شاید من اولین نفر باشم که فهمیدم این حرف برای استاد ابو ریحان است اصلا برای خود ابو ریحان هم نیست و او هم بیرونی است او هم برای ماوراء النهر است . اصولا نمی‌دانم تعجب آور است ترک‌ها در نجوم و اینها خیلی وارد بودند خیلی عجیب است و حتی خواجه نصیر که می‌خواست رصد خانه‌ی مراغه را بیشتر علمایی که برای ترکستان است آورد از همین ماوراء النهر و اصلا این تقسیم سال موش و پلنگ و دوازده تا حیوان این برای علمای ترک است اصلا نه برای علمای یونان است و نه برای علمای هند است این برای علمای ترکستان است و یک چیزهایی به این‌ها نسبت می‌دهند که اصلا هم به اینها هم به مغول حتی به مغول هم نسبت می‌دهند که در این جهات کارهای عجیب می‌کردند .

من در یک کتاب دیدم حالا یادم رفته از بس که می‌خوانم نوشته مثلا اگر مغول به جنگ می‌آمدند در مقابل ارتش مقابل یک تشتی می‌گذاشتند جلوی خودشان یک چیزی می‌خواندند در لشکر مقابل برف می‌بارید از آن تشت آب خیلی عجیب است ، من دیدم این را یعنی خیلی حرف عجیبی است یعنی قدرت عجیبی است که اینها با تصرفی که می‌کردند با طلسمات این در آنجا برف می‌بارید تبدیل به برف می‌شد غرض این مغول و این خود چینی‌ها خیلی ، من یک کتاب دیدم نمی‌دانم اسمش چیست الان اگر پیدا بکنید عربی بود خیلی قطور بود در

کتابخانه ی مرحوم آقای شبر مدرسه شبریه بود خیلی قطور بود تقویم پنج هزار ساله بین قمری و میلادی بین شمسی و قمری پنج هزار سال این برای رستنفیلد ۱۵۰۰ سال است . خیلی تقویم عجیبی است یک تقویم ۵۰۰۰ ساله حالا یادم هم رفته چند هزار سال قبل است چند هزار سال بعد است آنهایش را هم یادم نمانده اما می دانم خمسة آلاف سنة حالا اگر به چنین اسمی پیدا بشود در اینترنت کتاب عجیبی بود که تقویم ۵۰۰۰ ساله داشت .

حالا آن مساله را چون یک کم باز طول می دهد و یک جهات دیگر هم دارد باید توضیح بدهیم آن جهت توضیح اجمالی اش را حالا این آقای بهبودی حمله کرده چون اینها دائما گفتند شواذ اخبار شواذ اخبار می خواهید از کتاب کافی و از کتاب من لا یحضر اصلا روایت را بخوانید اصلا ، اصلا اصل روایات خوانده بشود اما طول می کشد ما بنا شد وارد این بحث نشویم .

یکی از حضار : می خواهید بگذارید برای بحث هلال .

آیت الله مددی : نه این اصلا باید بشود چون یک نکات فنی دارد نه هلالش جای خودش یک نکات فنی لما نحن فیه دارد یعنی این که ایشان مرحوم به اصطلاح مرحوم شیخ مفید و شیخ طوسی هر دو مقداری از روایت را آوردند که یکی روایت حذیفة بن منصور است هم شیخ داشت هم شیخ مفید شیخ بیشتر نسخ کتاب حذیفة عری می گوید این فقط در نسخه ی حسن پسر ایشان است و در بقیه ی نسخ نیامده است و اشکال می کند به آن روایت دیگر محمد بن یعقوب بن شعیب لم یعرف مجهول .

پس ما احتیاج دارد یک شب کل این اولا مجموعه ی روایاتش خوانده بشود نمی خواهم وارد بحث روایت بشوم فقط اینکه آیا این شواذ اخبار است و آیا این جزو اخبار شاذه و نادره است یا نه چه راهی را به اصطلاح اینها رفتند این تعبیر مرحوم شیخ که می گوید کتاب حذیفة بن منصور اصلا ندارد این روایت را آن که الحسن نقل کردند آن دارد این من هدف البته مرحوم شیخ مفید هم اشاره کرده بود اما شیخ طوسی صریح تر هدف ما از نقل روایت تمامش این بود اصلا این بود و این را می خواستیم یک شرح خاصی بدهیم که مخصوص خودمان چون عرض کردم نوشتند عده‌ای از معاصرین من جمله آقای سیستانی هم یعنی بیشتر با اتعاب نفس سعی کردند روایات را جواب بدهند این روایاتی که در باب عدد است و فراوان است هم صدوق آورده هم شیخ کلینی این را ان شاء الله یک شب بخوانیم فقط در حد خواندن آن وقت آن مطالبی را که می خواهم عرض کنم بعد عرض بکنم .

یکی از حضار : این روایت حذیفه را شیخ سه جای تهذیب هم نقل کرده است .

آیت الله مددی : بفرمایید .

یکی از حضار: سه جایش ، حالا بابش را بگویم یا صفحه‌اش را ؟ می خواهید صفحه‌اش را بگویم شما متنش را بیاورید . روایت حذیفه را به هر حال سه جای تهذیب نقل کرده است .

آیت الله مددی : بله .

یکی از حضار: سه جای تهذیب و استبصار روایت حذیفه .

آیت الله مددی : استبصار که یکی است مصدرش .

یکی از حضار: در سه جا آورده است .

آیت الله مددی: آن وقت این ایشان هر ، نه دو سه بار آورده روایت حذیفه را حرفش این است که در نسخ کتاب حذیفه این نیست فقط در نسخه‌ی حسن بن حذیفه ، حسن پسر ایشان آمده بقیه‌ی نسخ کتاب خالی است عری عنها به تعبیر ایشان عری عنهاست . ما یک مقدار اساس بحثمان به خاطر همین کلمه بود که ایشان مقایسه‌ی ما بین نسخ کرد که ای کاش این کار را در جاهای دیگر فرموده بودند حالا بله یک مطلب دیگری که باز یکی دو شب است علیرضا دائما اصرار می‌کند راجع به آن صحبت کنیم .

عرض کردیم مرحوم شیخ در کتاب تهذیب در بحث مشیخه ایشان پنج طریق به کتاب حسین بن سعید به آثار حسین بن سعید دارد علیرضا گفت من دو تا پیدا کردم نه ببینید مجموعه‌ی

یکی از حضار: حسین بن سعید پنج تا بود خواندیم احمد بن

آیت الله مددی : نه احمد بن محمد بن عیسی ببخشید به احمد بن محمد بن عیسی پنج تا دارد آن وقت این این جوری است در چند تا احمد بن محمد است در چند تا احمد بن محمد بن عیسی است این نکته‌اش را باید دقت کرد حالا اولا از همان کافی اولش که ایشان در مشیخه به کافی شروع می‌کند بله از اول مشیخه بعد عده‌ای از روایات را می‌گوید من از کافی نقل کردم با همین سند من جمله روایت احمد اشعری بخوانید باید برویم جلو چند صفحه بروید جلو . یا هر چه این دو تا عنوان هست بیاورید احمد بن محمد و احمد بن محمد بن عیسی ، پنج مورد هست این را دیگر ما فعلا به عنوان جمله‌ی معترضه وسط بحث‌ها بله آقا ؟

یکی از حضار: آن جلسه فرمودید خوانده بشود دیگر نرسیدیم بخوانیم .

آیت الله مددی : مثل اینکه گوش ما هم سنگین شده است .

یکی از حضار: آن جلسه گفتید خوانده بشود جلسه‌ی یازده نرسید به

آیت الله مددی : خیلی خوب اشکال ندارد خوانده بشود .

به هر حال این کار ، کار بسیار خوبی است این کار که انسان از نسخ مختلف نقل بکند لکن مشکل شیخ این است که یک علامت مائزی نگذاشته است . و یا یک مقابله‌ای نکرده است که مثلا من الان از کتاب کافی نقل می‌کنم این در کتاب نوادر محمد بن علی بن محبوب این طور است مثلا یک مقابله‌ی این طوری نشده است آن که الان مشکلی است که ما داریم این است این را می‌خواهیم یک مقداری مکشوف تر صحبت کنیم واضح تر صحبت کنیم البته خیلی هم مکشوف می‌ترسیم صحبت کنیم یک کمی مکشوف صحبت می‌کنیم ، بقیه‌اش باید اگر خود آقایان برایشان کشف و الهامی شد من همین مقدار .

این روایت حذیفه را می خواهید بخوانید یک بار دیگر بابا ، فرمودید سه جای تهذیب آورده پشت سر هم است صفحات ؟ صفحاتش را ببینید .

یکی از حضار : صفحاتش نه ۱۶۷ بعدش عرض کنم که

آیت الله مددی : نکند ابواب الزیادات

یکی از حضار : بله پشت سر هم است ۱۶۷ و ۱۶۸ حدیث ۴۷۷ ، ۴۷۸ ، ۴۸۰

آیت الله مددی : نه اینها پشت سر هم است این همین است که ایشان خواندند نه این چیز تازه‌ای نیست من خیال کردم در یک باب دیگری به یک مناسبتی آورده است .

یکی از حضار : حدیث ۴۹ ، ۵۰ همان باب .

آیت الله مددی : بله معلوم شد نه ، وقتی صفحات و شماره‌هایش نزدیکند دیگر خیلی خواندن ندارد بفرمایید .

یکی از حضار : اول همان جلد ۱۰ تهذیب اول مشیخه ایشان می‌فرماید فما ذکرنا فی هذا الکتاب عن محمد بن یعقوب الکلینی

آیت الله مددی : عرض کردیم ایشان بعد از محمد بن یعقوب می‌گوید جمله‌ی از روایاتی که از مشایخ مستقیم کلینی است می‌گوید به همین سند است مشایخ مستقیم مثل علی بن ابراهیم مثل محمد بن یحیی مثل احمد بن ادریس اینهایی که مرحوم کلینی ، حمید بن زیاد، مرحوم کلینی از او نقل می کنند این که مشهور شده مثلا در کتاب اگر این جور هست مثلا من باب مثال علی بن ابراهیم یا محمد بن یحیی الان مشهور شده بین علما که این از کتاب محمد بن یحیی است این را غیر از طریق کلینی گرفتند خود ایشان می‌گوید نه همان است البته ایشان دارد و آن اینکه مثلا گفته و ما کان فی هذا الکتاب مثلا عن حسن بن سماعة غیر از آن راهی که حمید است خودش مستقلا راهی ، یعنی ایشان عده‌ای را مستقیم از کلینی نقل می‌کند عده‌ای را مستقیم از خودشان نقل می‌کند این را دارد مرحوم . اما اینکه الان مشهور شده هر جا اسم یک نفری در اول سند باشد از کتاب اوست آن اساس ندارد .

ببینید و ما کان اول اسم محمد بن یعقوب کلینی خوب بسیار خوب بعد ، بعد از اینکه تمام می‌شود طریقش به کلینی و خیلی هم عجیب است این طرق همه در بغداد هستند الا طریق ابن قولویه چون از ابن قولویه هم نقل می‌کند صاحب کامل الزیارات ، ابن قولویه در قم شاگرد کلینی بوده است چون ابن قولویه ۳۳۷ به بغداد آمده کلینی ۳۲۹ وفاتش است ۸ سال بعدش به بغداد آمده است .

یکی از حضار : آن سفر حج که می خواسته برود حج و از بغداد برود حج .

آیت الله مددی : نه آمده بغداد ماند در بغداد تا فوت کرد . ابن قولویه هم در بغداد ماند تا ۳٦۷ فوت کرد . چون وقتی که بغداد دست زیدیه و شیعه افتاده‌عده‌ی زیادی از مشایخ قم آمدند بغداد من جمله از این مشایخی که آمدند کلینی قبل از زیدیه بغداد آمد قبل از آل بویه عرض کردیم کلینی یا ۲۸ است یا ۲۹ است وفاتش بنا بر مشهور بعضی‌ها هم احتمال دادند ۳۲٤ است این دو تا رقم هر دو اشتباه است چون تصریح کردند سنة تناسر النجوم به حساب بارش شهاب سنگ‌ها تناسر نجوم به حساب شهاب سنگ‌ها این را می‌گویند در بغداد ۳۲٤ اتفاق افتاد نه ۲۸ اتفاق افتاده نه ۲۹ .

خدا رحمت کند آقای موسوی گفت من شنیدم مراد از تناسر نجوم چون چندتا شخصیت در آن سال فوت کردند یکی مرحوم صدوق پدر یکی مرحوم کلینی لذا گفتند تناسر النجوم گفتند کلمه‌ی تناسر النجوم حمل می‌شود بر آن معنای عرفی خودش بارش شهاب سنگ‌ها به اصطلاح . این بارش شهاب سنگ‌ها در بغداد ۳۲٤ است خود در جنگ جهانی دوم خود هیتلر زنده بود یک شب در اروپا بارش شهاب سنگ من عکسش را دیدم خیلی شدید است خیلی شهاب سنگ‌های عجیبی همین طور از پشت سر مثل باران می‌بارد در آسمان بارش شهاب سنگ‌ها اگر این سنه‌ی تناسر النجوم کما قیل ۳۲٤ درست باشد این که خیلی مشهور شده کلینی بین ۲۸ و ۲۹ این محل شبهه می‌شود صحیحش ۲٤ است .

لکن بعید می دانم چون کلینی در بغداد تحدیث کرده خیلی بعید است این به این زودی در بغداد فوت کرده باشد به هر حال ۳۲٤ هم آل بویه آمدند پس کلینی قبل از آمدن آل بویه هستند اما ابن قولویه بعد از ، ۳۲۷ وارد بغداد شد بعد از اینکه حکومت شیعی در بغداد شد ، حکومت شیعی به این معنا مرحوم ابن قولویه آمد ، لذا ایشان اسمش را جزو روات کافی آورده عادتا ایشان در قم تحمل کرده است چون در بغداد کلینی را درک نکرده است در قم تحمل کرده لکن تحدیثش در بغداد است ، بفرمایید آقا .

یکی از حضار : بعد از اینکه می‌فرمایند که ما ذکرنا هذا الکتاب عن محمد بن یعقوب الکلینی .

آیت الله مددی : البته این هم شاید ۳۰ سال بیشتر است من این را یک شرحی دادم ضبط هم می‌شد این ضبط‌های قدیم فکر نمی‌کنم باشد کل مشیخه‌ی شیخ طوسی را شرح دادم من و قشنگ هم هست فواید خیلی خوبی دارد مشیخه‌ی ایشان بسیار فواید خوبی دارد دیگر نمی‌خواهیم فعلا وارد بشویم اول به اسم کلینی بعد که تمام می‌شود بگویید .

یکی از حضار : وما ذکرته عن علی بن ابراهیم هاشم فقد روّیته بهذا الاسناد عن محمد بن یعقوب ارجاع می‌دهد به او و ما ذکرته عن محمد بن یحیی العطار فقد رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن احمد

آیت الله مددی : اینها همه مشایخ کلینی هستند آن وقت احمد اشعری مشایخش نیست استاد مع الواسطه است . بعضی از این‌هایی که از احمد اشعری است بوسیله‌ی کلینی است معلوم شد ؟ ایشان آنهایی که مشایخش هستند از کلینی نقل می‌کند و ما ذکرته بله . البته ایشان گاهی هم مرحوم شیخ از علی بن ابراهیم شروع می‌کند که از کتاب کلینی نیست احتمالا از آثار خود علی بن ابراهیم باشد بفرمایید .

یکی از حضار : بعضی‌ها مثل همین محمد بن یحیی طرق دیگر هم اضافه می‌کند و اخبرنی به ایضا کذا

آیت الله مددی : و اخبرنی به ایضا غیر از طریق کلینی طریق دیگر هم دارد .

یکی از حضار : همینطور تعلیق می‌کنند و ما ذکرته عن احمد بن ادریس فقد رویته بهذا الاسناد عن محمد بن یعقوب تا اینکه می‌رسند و من جملة آن وقت در قبلی همه‌شان وما هست ولی اینجا این جوری می‌شود و من جملة ما ذکرته عن احمد بن عیسی

آیت الله مددی : همین ؟

یکی از حضار : ما رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی .

آیت الله مددی : دقت کردید این اولش . این را یک بگذارید شماره‌ی یک در کتاب‌هایتان شماره‌ی یک از راه کلینی . حالا بحث سر این است که آیا شیخ طبق تصور ما که باید مسائل فهرستی باشد توانسته علامت مائزی بگذارد ؟ عرض کردم آقای سیستانی عقیده‌اش این بود چون گفته و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی اسم کامل آورده است بهذه الاسانید عن الکلینی عن العدة عن احمد بن محمد بن عیسی پس اگر احمد بن محمد بن عیسی بود احتمالا کتاب کلینی است . ایشان راه وصول به این که تشخیص بدهیم این راه اگر دقیقا مرحوم شیخ بیان می‌کرد خیلی نافع بود .

یکی از حضار : ایشان تا احمد بن محمد بن خالد گفتند .

آیت الله مددی : چه کسی آقا ؟

یکی از حضار : آقای سیستانی .

آیت الله مددی : نه درباره‌ی احمد

یکی از حضار : چاپ شده ست . چاپ شده است احمد بن محمد بن خالد

آیت الله مددی : خوب من درس ایشان بودم .

یکی از حضار : عرض می‌کنم چاپ شده هم هست می‌خواهم توسعه بدهم

آیت الله مددی : نه بعد هم رد کردند این آقای شبیری دیدم ردی برش نوشته در این رساله‌هایی که جمع کردند در مباحث حدیث ایشان ردی برایش نوشته است .

یکی از حضار : وهذه الروایة معتبرة سندا وقد اورده الشیخ فی التهذیب مبتدئا فیها باسم احمد بن محمد بن خالد والظاهر انه اخذه من الکافی

یکی از حضار : صفحه‌ی چند لا ضرر است ؟

یکی از حضار : صفحه‌ی ۱۳ .

آیت الله مددی : عرض کردم این را آقای سیستانی معتقد است در احمد بن محمد بن عیسی هم می‌گفتند دقت کردید ؟ یک ردی ،من یک رد دیدم اما به نظرم بیشتر بر ایشان رد نوشتند که این مطلب دقیق نیست انصافا هم این مقدار کافی نیست چرا چون ایشان مثلا می‌گوید به عنوان احمد بن محمد بن عیسی سه تا آورده است مثلا خوب باز همان مشکل شد تشخیص نداد دیگر ، حالا فوقش شما می‌گویید به عنوان احمد بن محمد بن عیسی یا کافی است یا کتاب محمد بن علی بن محبوب است یا فلان حالا باز هم تشخیص نشد . کار صحیح این بود که یکی یکی معین بکند حالا این یک مورد اول روشن شد مضافا من عرض کردم ما که مراجعه کردیم به کتاب به حساب وسائل و جامع الاحادیث و این کتب جوامع حدیثی عده‌ای از روایات را من دیدم در کتاب کافی مثلا می‌گوید عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد دیگر ابن عیسی ندارد در تهذیب هم گفته احمد بن محمد معلوم است از کافی گرفته وضع سند و اینها کاملا واضح است .

به نظر ما ایشان گفته من جمله و الا ایشان گاهی هم از کافی نقل می‌کند به عنوان احمد بن محمد آن که من مقابله کردم یعنی مقارنه بین احادیث کردم ایشان آنچه که در کافی است نقل می‌کند در کافی گاهی احمد بن محمد بن عیسی است گاهی احمد بن محمد است شیخ هم همان را نقل می‌کند این که اگر گفت احمد بن محمد بن عیسی حتما احتمالا از کافی است این هم روشن نیست . خود این مطلب ایشان روشن نیست بفرمایید .

یکی از حضار: در حاشیه هم که آقایی که کتاب را تقریر فرمودند یک توضیحاتی را از آقای سیستانی نوشتند و گفتند که رواتی که شیخ به آنها ابتدا کرده سه دسته هستند آنهایی که همیشه از کتبشان مستقیم گرفته آنهایی که همیشه از کتبشان با واسطه گرفته دسته‌ی سوم آنهایی هستند که گاهی از کتاب گرفته گاهی با واسطه بوده بعد ایشان می‌گوید این و من جملة ما ذکرته اشاره به آن قسمت

آیت الله مددی: سوم است.

یکی از حضار: نه قسمت اول از آن دسته‌ی سوم است، جاهایی است که با واسطه از آن دسته‌ی سوم گرفته است و بعد هم جاهایی مباشر است می‌گوید پنج نفر هستند که دیدیم این جوری هستند و حسن بن محبوب و حسین بن سعید و احمد بن محمد بن عیسی، فضل بن شاذان و احمد بن محمد بن خالد برقی و

آیت الله مددی: فضل را الان در ذهنم نیست.

یکی از حضار: حالا من نمی‌دانم ایشان الان دارد به قول شما از درس نقل می‌کند در تقریر هم در حاشیه نوشته است.

آیت الله مددی: شاید نظر خود محشی است، علی ای حال چون حالا می‌خوانیم صحبت‌هایش روشن می‌شود اجازه بفرمایید.

یکی از حضار: روایتی که در کافی هست و شیخ در تهذیب از کافی نقل کرده همان

آیت الله مددی: یعنی اسم کافی را نبرده است.

یکی از حضار: اسم نبرده اما مطمئن هستیم که از کافی نقل کرده است.

آیت الله مددی: عین همان است دیگر آنجا احمد بن محمد است اینجا هم احمد بن محمد است.

یکی از حضار: آن بررسی کافی برای ما کافی است دیگر لازم نیست با تهذیب تکلیف را روشن کنیم.

آیت الله مددی: بله، نه این که حتما اگر احمد بن محمد بن عیسی بود یکی‌اش حتما کافی است من دیدم خودم مواردی دیدم احمد بن محمد در کافی احمد بن محمد است شیخ هم احمد بن محمد ابتدا کرده است این عین همان است بفرمایید.

یکی از حضار: که چه یقین داریم همه از کافی است؟

یکی از حضار: که ایشان می‌فرمایند این چیز مستدرک نیست گاهی احمد بن محمد است و ولی باز هم از کافی است. این اشکال هم بود.

آیت الله مددی: چه کسی اشکال کرده؟

یکی از حضار: آقای شبیری فرموده بودند.

آیت الله مددی: عجب!

یکی از حضار : البته آسید جواد از پدرشان نقل کرده بودند .

آیت الله مددی : چون دیدم یک مقاله‌ای ایشان نوشته بود در رد این و بعدش هم این به درد نمی‌خورد مثلا احمد بن محمد بن عیسی سه تاست ما بالاخره کار فهرستی باید دقیقا مقابله‌ی نسخ بشود دیگر ، این که مقابله‌ی نسخ نشد که بفرمایید . نمی‌دانستم مقاله‌ی آقا زاده را دیده بودم اما اینکه خود پدر ایشان هم مخالف است نمی‌دانستم .

یکی از حضار : در درس‌شان به نظرم از ایشان نقل کرده بودند در ذهنم این طوری است .

آیت الله مددی : نه یک چیزی به نظرم این حائری عماد است کیست حائری است ؟ برادر زن آقای سرخی آنجا یک مقاله‌ای دارد بازسازی متون کهن بله یک مقاله ای اصلا در آنجا دارد این نظریه ، اما ندیدم من در ذهنم نیست این مناقشه را ایشان کرده باشد .

یکی از حضار : درس لا ضرر ایشان را هم اشتباه نکنم در اشکالات ایشان به برخی اسانید مطرح فرمودند .

آیت الله مددی : نمی‌دانم . اما من این مقاله ای که دیدم اینجاست قاعدتا کسانی دیگر هم نوشتند دیگر قاعدتا بعید است کسی ننوشته باشد اما من الان حضور ذهن ندارم من الان فقط همین مقاله را دیدم بفرمایید .

یکی از حضار : من جملة ، حالا من جملة ما ذکرته را هم ایشان خیلی عنایت داشتند که این تعبیر اشاره است به همین چند قسم بودن این روات . بعد می‌فرمایند که بعد می‌روند تا احمد

آیت الله مددی : خوب برای اینکه ایشان راست هم هست چون گاهی اوقات می‌گوید مثلا به جای اینکه به اسم احمد بن محمد شروع بکند می‌گوید محمد بن یعقوب عن عدة عن احمد راست می‌گوید مستقیم از محمد بن یعقوب نقل می‌کند . بعضی جاها نه دیگر محمد بن یعقوب عن العدة را انداخته از احمد نقل می‌کند این من جملة یعنی از کافی است واضح است کاملا بفرمایید آقا .

یکی از حضار : بعد باز دوباره در مشیخه آن صفحه‌ی ۵ بود چون صفحه گذاری و شماره گذاری مشیخه جدا شده این جا صفحه‌ی ۷۲ مشیخه و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی

آیت الله مددی : اینجا هم باز احمد بن محمد عنوان این است ، بله .

یکی از حضار : پس اجازه بدهید قبلی را هم بخوانم چون تعلیق به قبلی است .

آیت الله مددی : بله تعلیق به قبلی است .

یکی از حضار : فما ذکرت فی هذا الکتاب عن محمد بن علی بن محبوب فقد اخبرنی به الحسین بن عبید الله عن احمد بن محمد بن یحیی العطار عن ابیه محمد بن یحیی عن محمد بن علی بن محبوب .

آیت الله مددی : این سند که ، آن سند اول به احمد صحیح است گفتند ایشان مرحوم شیخ پنج تا سند به احمد دارد یکی اش ضعیف است همین است که ما هم تازگی یک روایتی بود احمد بن گفتیم احتمال دادیم گفت هذا حدیث نادر گفتیم احتمال ، ایشان می گوید جمله‌ای از روایاتی را که من از احمد شروع می کنم این ها در حقیقت از کتاب نوادر المصنفین محمد بن علی بن محبوب است . آن وقت طریق ایشان ، طریق ایشان حالا خود من هم متحیرم چون خیلی واضح در ذهن ما نیست که احمد بن محمد بن یحیی به بغداد آمده باشد یا ابن غضائری به قم . یعنی غیر از جهات حالا چون بعدها عرض کردم بعدها بنایشان شد که مشایخ را توثیق نمی خواهند و احمد .

عرض کردم دو تا احمد داریم پدرشان هم محمد هستند یکی احمد پسر محمد بن یحیی یکی احمد پسر محمد بن حسن بن ولید هر دویشان هم توثیق نشدند آقازاده هستند دیگر ولد العالم نصف العالم حالا هر دویشان جزو

یکی از حضار : غنی از توثیق .

آیت الله مددی : بله غنی از توثیق روشن شد ؟ مشکل باز این نیست آقایان چسبیدند به اینکه طریق ایشان مثل آقای خوئی می گوید طریق شیخ به کتاب محمد بن علی بن محبوب ضعیف است آقای خوئی طریق را ضعیف می داند به خاطر اینکه احمد را توثیق نکرده است ما اشکالمان چیز دیگری است آن احمدی که ابن غضائری عادتا از او نقل می کند پسر ابن الولید است ، این احمدی که پسر محمد بن یحیی است صدوق از او نقل می کند صدوق در رتبه‌ی مشایخ ابن غضائری است و ما داریم موارد دیگر هم غیر از این داریم در شیخ که ابن غضائری از این احمد پسر محمد بن یحیی است این هم برای ما از آن جاهایی است که حالا غیر از جهت وثاقت حالا آن توثیق را رها کنید چون احمد پسر ابن الولید بغداد آمده ، شیخ مفید ، ابن غضائری ، ابن عبدون مشایخ بعد از او نقل می کنند اما در ذهن ما احمد پسر محمد بن یحیی بغداد نیامده رتبه اش هم بر این مقدم است یعنی رتبه اش به اصطلاح مقدم است یعنی ایشان بعد از اوست او استاد صدوق است ، صدوق استاد مفید و ابن غضائری است .

یکی از حضار : عجیب است سند چند باری تکرار شده است .

آیت الله مددی : تهذیب نه فهرست شیخ .

یکی از حضار : الحسین بن عبید الله عن احمد بن محمد بن یحیی عن ابیه محمد بن یحیی

آیت الله مددی : این هست این مشکل را دارد چند مورد داریم ما اما در فهرست هم دارد من اما در نجاشی به نظرم ندیدم البته من نجاشی را عرض کردم به شما آقای ابطحی را خدا رحمتش کند گفت من ۲۷ - ۲۶ بار تمام نجاشی را دیدم به خاطر جهات مختلف من نشده تا حالا یک بار هم ببینم حالا غرض برای بیان فضیلت ایشان به نظرم من در چیز ندیدم یا دو تا دیدم یکی یا دو تا در نجاشی اما در فهرست

شیخ هم هست این ، دقت کردید بحث الان روی وثاقت ، رفتیم الان روی بحث‌های خودمان بازکه اصولا ابن غضائری از احمد پسر محمد بن یحیی نقل کرده یا اشتباه شده احمد بن محمد بن الحسن بوده است . محمد بن الحسن ابن الولید است دیگر آن هم می‌گوید عن ابیه مثل همین می‌گوید عن ابیه دقت کردید ؟ لذا البته اینجا معلوم است بعید است ابن الولید باشد طبقه‌اش نمی‌خورد .

به هر حال الان من مشکلی که دارم غیر از مشکلی است که آقایان دارد مشکل آقایان این است که پسر محمد بن یحیی که احمد است توثیق نشده دقت کردید چه می خواهم بگویم ؟ اشکال بنده این است که اینها رابطه‌شان چطوری شده است ؟ اگر احمد بن محمد بن یحیی به بغداد آمده مفید هم از او نقل می‌کند ابن عبدون هم نقل می‌کند مشایخ بغداد و اصولا طبقه‌اش نمی‌خورد آن جلو تر است آن استاد صدوق است صدوق استاد مفید و ابن غضائری است ، ابن غضائری نمی‌شود از او نقل بکند عادتا نباید از او نقل بکند ، حالا در تهذیب نمی‌دانم اما در فهرست شیخ دیدم چند مورد دیگر هم نه اینکه از اول فهرست تا آخر نگاه کردم در مراجعاتم دیدم اما در نجاشی یک جا یا دو جا دیدم به نظرم یک جا نجاشی ندارد شیخ بیشتر دارد . حالا این چه اشکالی پیش آمده چطوری شده چون به حسب قاعده مشکل طبقات دارند غیر از مساله ی فلان حالا ببینیم در فهرست شیخ این چقدر است حسین بن عبید الله عن احمد بن محمد بن یحیی ، احمد بن محمد مطلق هم باشد بله باید آن مشخص بشود احمد بن محمد مطلق به پسر ابن الولید می خورد لذا به ذهن ما این جور آمده که این احمد بن محمد بن یحیی به نحو کتابت و نامه برای حسین بن عبید الله فرستاده است شاید هم نجاشی خیلی اعتماد نداشته روی این جهت و الا نجاشی از احمد پسر محمد بن یحیی زیاد نقل می‌کند دارد .

یکی از حضار : حالا بازیک احمد بن محمد دیگر هم دارد ابو غالب زراری هم داریم اما آن که شما می خواهید تصریح باشد در اسماعیل بن شعیب گفته قلیل الحدیث الا انه ثقة سالم فی ما یروی

آیت الله مددی : اسماعیل بن شعیب از نوه‌های میثم تمار است بفرمایید .

یکی از حضار : وله کتب منها کتاب الطب اخبرنا به الحسین بن عبید الله عن احمد بن محمد بن یحیی تصریح هم کرده است .

آیت الله مددی : اما زیاد نیست این ، این خیلی کم است . دیدم من این را دیدم لذا امشب دارم اشکال می‌کنم این را دیدم و شما کتاب‌ها را هم نگاه کنید کسی چنین اشکالی هم نکرده این از منفردات این جلسه‌ی بنده است که در اینجا این اشکال را من دیدم و نمی‌دانم هنوز هم باید چه کارش بکنیم خیلی بعید است ایشان قم رفته خیلی بعید است او بغداد آمده هر دویش خیلی بعید است یکی دیگر هم دارد در فهرست شیخ چند مورد من دیدم نه یک مورد می‌گویم با اینکه من فهرست را از اول تا آخر نگاه نکردم همین طور در اثناء مطالعه چون این

اشکال در ذهنم بود دائما وقتی یک سندی اجازه را می خواندم دائما در ذهنم می آمد این را چند مورد در ذهنم آمد که حل نشد یک مورد به نظرم مرحوم نجاشی دارد که عطف هم می کند یعنی احمد بن محمد بن یحیی و فلان یکی دیگر را بر او عطف می کند .

یکی از حضار : خود شیخ عطف می کند که الان می خوانم .

آیت الله مددی : ها پس این برای شیخ است ، می گویم یک عطفی هم یادم می آید حالا شاید مثلا ده سال قبل بود ، هشت سال قبل بود نمی دانم کی دیدم اما یک عطفی یادم می آید که عطف می کند بر او عطف می کند .

یکی از حضار : در نجاشی احمد بن محمدی که ابو غالب زراری باشد را

آیت الله مددی : آن که قطعی است آن که قطعی است .

یکی از حضار : بله ، آن که عرض کردم اما آن که شما در نظرتان است .

آیت الله مددی : آن که قطعی است بله ، به نظرم در نجاشی یا نیست یا یکی اگر باشد یا دو تا فوقش .

یکی از حضار : بله چرا در کتاب احمد بن محمد سیار کاتب

آیت الله مددی : خوب آن ضعیف است خیلی ضعیف است .

یکی از حضار : کتاب الغارات ببخشید

آیت الله مددی : آن که برای ثقفی است که غارات که برای ثقفی است .

یکی از حضار : در مجموع کتاب دارد دیگر له کتب وقع الینا منها کتاب ثواب القرآن کتاب الطب وکتاب القرائات وکتاب النوادر وکتاب الغارات

آیت الله مددی : الی آخره

یکی از حضار : اخبرنا حسین بن عبید الله قال حدثنا احمد بن محمد بن یحیی و اخبرنا ابو عبدالله القزوینی

آیت الله مددی : ها این درست است .

یکی از حضار : و حدثنا احمد بن محمد بن یحیی

آیت الله مددی : این درست است گفتم عطف می کند ببینید

یکی از حضار : عن ابیه قال حدثنا السیاری

آیت الله مددی : این عطف است این عطفش درست است . چون مرحوم نجاشی زیاد توسط ابو عبدالله قزوینی از این احمد نقل می‌کند زیاد است این زیاد است در نجاشی زیاد است و چند بار هم عرض کردم این از مشایخ مختص نجاشی است یعنی ابو عبدالله قزوینی شیخ طوسی از او نقل نمی‌کند ایشان یک سفر بغداد آمده قبل از اینکه شیخ به بغداد بیاید نمی‌دانم ٤٠١ است چند است ؟ نجاشی ایشان را دیده از ایشان حدیث را نقل می‌کند . یکی از راه‌های وصول نجاشی به میراث قم این است ابو عبدالله قزوینی . عرض کردم عطف می‌کند این عطفش درست است .

یکی از حضار : کتاب جمیل بن دراج هم همینطور است می‌گوید له کتاب اشترک هو و مرازم بن حکیم فیه اخبرنا الحسین بن عبید الله قال حدثنا احمد بن محمد بن یحیی

آیت الله مددی : بعدش عن ابیه ؟

یکی از حضار : قال حدثنا سعد بن عبدالله

آیت الله مددی : ها رفت از راه سعد .

یکی از حضار : این هم در

آیت الله مددی : عرض کردم تا اینجا دو تا شد عرض کردیم من تا حالا دو تا شاید در نجاشی

یکی از حضار : باز هم ببخشید حفص بن علاء کوفی ثقة له کتاب یرویه عنه محمد بن ابی عمیر اخبرنا الحسین بن عبید الله قال حدثنا احمد بن محمد بن یحیی

آیت الله مددی : دیگر ؟

یکی از حضار : البته ممکن است یک جایی حسین خالی بوده باشد من فقط برای اینکه وقت کمتر گرفته بشود فقط با حسین بن عبید الله جستجو کردم بله .

آیت الله مددی : اما فهرست شیخ به نظرم بیشتر دارد . این علی ای حال عرض کردم نظیر دارد این طور نیست که حالا فقط همین یک مورد باشد علی ای حال مرحوم شیخ رحمه الله کتاب نوادر المصنف یا مصنفین عرض کردم اسم کتاب دو جور آمده نوادر یا نوادر المصنف یا مصنفین و عرض کردم ظاهر عبارت این است که این روایت کتاب روایت شاذ و نادر بوده است این را توضیحات مفصلی در یک محلی گفتیم دیگر حال تکرارش را نداریم بعد طریق مرحوم نجاشی را به محمد بن علی بن محبوب ببینید نگاه کنید .

یکی از حضار : فقط اینجا عبارت را ها علی بن محبوب را نگاه کنیم ؟

.....

آیت الله مددی : بله .

یکی از حضار : الان عرض می‌کنم .

یکی از حضار : تا مطلب پیدا بشود مواردی داریم که شیخ از کلینی محمد بن یعقوب نقل بکند و در کافی نباشد ؟

آیت الله مددی : دو سه مورد است کلا . تصریح به اسم محمد بن یعقوب کرده دو مورد است یا سه مورد است .

یکی از حضار : باید در وسائل باشد .

آیت الله مددی : نه ظاهرش می‌خورد همین کتاب کافی است نسخه‌ی ایشان این جور بوده این داریم ما چرا یا دو تاست یا سه تاست .

یکی از حضار : در نسخه‌های کافی است نسخه‌های خود کلینی یعنی نسخه‌های خطی است . ایشان چند بار نوشته بوده دو بار .

آیت الله مددی : روشن نیست حالا به هر حال بفرمایید .

یکی از حضار : این مطلب را خدمتتان آوردم و این مدخل ۹٤۰ نجاشی

آیت الله مددی : محمد بن علی بن محبوب

یکی از حضار : اشعری القمی حالا چه را بخوانم

آیت الله مددی : له کتاب نوادر المصنفین

یکی از حضار : له کتب منها که منها داخل کروشه اضافه شده کتاب النوادر کتاب الصلاة کتاب

آیت الله مددی : بعضی‌ها کتاب نوادر المصنف دارند نوادر المصنفین النوادر این جوری است . سه جور عنوان آمده است بفرمایید .

یکی از حضار : بعد کتاب‌ها را اسم می‌برند کتاب التولد کبیر همه را اسم می‌برند بعد می‌گویند اخبرنا الحسین بن عبید الله قال حدثنا احمد بن جعفر

آیت الله مددی : این احمد بن جعفر بن سفیان البزوفری است ، عرض کردم بزوفری یا یکی حسین بن علی بن سفیان داریم آن که از اجلاء است این احمد بن جعفر این هم بزوفری است از آن نیست این‌ها اشتباه می‌کند احمد بن جعفر بن سفیان البزوفری این از ابن ادریس نقل می‌کند ابن ادریس که استاد قم است می آمد برود برای مکه به ایشان اجازه داده است . احمد بن جعفر بن سفیان البزوفری .

یکی از حضار : ایشان چند تا دیگر هم از نقل‌هایشان از حسین بن عبید الله از طریق همین

آیت الله مددی : احمد بن جعفر است بله ، این هم بغدادی است حسین هم بغدادی است ایشان هم بغدادی است بعدش ؟

یکی از حضار : همین که می‌فرماید احمد بن ادریس عن محمد بن علی بن محبوب بجمیعها .

آیت الله مددی : می‌گویم احمد بن ، آن وقت این را حالا بیاورید یک جایی نجاشی یا شیخ می‌گوید که احمد بن جعفر از ایشان اجازه گرفت فی طریقه الی الحج این هم مرحوم شیخ ندارد کار نجاشی است . احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری به نظرم این توثیق ندارد به عنوان همان مشایخ و اینها رویش حساب کرده است ، حالا آقای خوئی را بیاورید احمد بن جعفر را .

یکی از حضار : در همین حالا کتاب‌ها که مدخلی که دارد فقط در رجال شیخ است

آیت الله مددی : در باب من لم یروی حتما در مدخل رجال شیخ که احمد بن جعفر باشد من لم یروی است دیگر

یکی از حضار : قاعدتا آنجاست دیگر بلکه ابن ادریس و اینهاست بله . مدخل شماره‌ی ٥٩٥٤ آن آخر می‌شود

آیت الله مددی : بله آنجا بوده

یکی از حضار : یکنی ابا علی ابن عم ابی عبدالله

آیت الله مددی : ابو عبدالله بزوفری معروف این است ، ابو عبدالله حسین بن علی بن سفیان این ابو عبداللهی که معروف است ابو عبدالله بزوفری عرض کردم دو تا چند دفعه گفتم دو تا بزوفری است اشتباه نشود ، یکی آن مشهور است که از مشایخ است آن ابو عبدالله حسین بن علی بن سفیان این احد بن جعفر بن سفیان بزوفری است .

یکی از حضار : این مشهورتر بوده که

آیت الله مددی : کاملا کاملا آن جزو مشایخ اجلاء است ، بله بفرمایید .

یکی از حضار : این جسارتا محمد بن حسین بن علی بن سفیان است مشهور است درست است ؟

آیت الله مددی : چه آقا ؟

یکی از حضار : محمد بن حسین بن علی .

آیت الله مددی : چه کسی ؟

یکی از حضار : بزوفری .

آیت الله مددی : مشهور نه به نظر ابو علی حسین بن علی

یکی از حضار : ابو علی حسین است اما در روایات محمد بن حسین بیشتر از او روایت دارد .

آیت الله مددی : این شاید یکی دیگر است بزوفری من این

یکی از حضار : ظاهرا همین ایشان فرزندش باشد چون نوشته محمد بن حسین بن علی بن سفیان

آیت الله مددی : این شاید پسرش است نمی‌شناسم .

یکی از حضار : چون در مشیخه‌ی شیخ آمده ت

آیت الله مددی : این شاید پسرش است نمی‌شناسیم این خیلی شناسایی نداریم از او . اما احمد بن جعفر اسمش هست از

یکی از حضار : ابا عبدالله حسین بن بله

آیت الله مددی : بله . این اسمش هست احمد بن جعفر عمده‌اش هم این است که میراث قم را از احمد بن ادریس اجازه گرفته است و مرحوم ابن غضائری در بغداد از ایشان اجازه گرفته است ، بفرمایید . برای آقای خوئی هم می‌خواهید بیاورید .

یکی از حضار: چون که اول چیز در مشیخه این احمد بن ادریس را طریق شیخ یکی از طرقش ابی جعفر محمد بن حسین بن سفیان است گفتند همین پسر ابو علی است این هم از نزد محمد بن الحسین هم از ابن ادریس نقل کرده است .

آیت الله مددی : شاید ، اما آن که معروف است همین احمد بن جعفر از است ابن ادریس نقل کرده است .

یکی از حضار : در مشیخه این است .

آیت الله مددی : ایشان احمد بن ادریس تخصصش روی احمد بن ادریس است .

یکی از حضار: ایشان هم همین است ، ابی جعفر محمد بن حسین بن سفیان که از احمد بن ادریس نقل می‌کرده است در مشیخه آمده است .

آیت الله مددی : بعد نوشته فی سفره الی الحج

یکی از حضار: این که می‌فرمایید این همین در ترجمه‌ی احمد آمده است یعنی این طوری است می‌گوید روی عنه تلعکبری و سمع منه سنه‌ی خمس و ستین و ثلاث مائة وله منه اجازة

آیت الله مددی : سیصد و شصت و پنج بله و کان قد سمع ابن ادریس

یکی از حضار: کان یروی عن ابی علی الاشعری

آیت الله مددی : ابی علی همان احمد بن ادریس است و کان یروی عن ابیه علی الاشعری بفرمایید

یکی از حضار : اخبرنا عنه

آیت الله مددی : استاد کلینی

یکی از حضار : محمد بن محمد بن نعمان و حسین بن عبید الله

آیت الله مددی : بله حسین بن عبید الله از این آقا از احمد بن ادریس از این آقا یا از تلعکبری ؟ از این آقا ظاهرا از احمد بن جعفر

یکی از حضار : می‌گوید اخبرنا عنه محمد بن محمد بن نعمان والحسین بن عبید الله

آیت الله مددی : عنه باحمد بن جعفر

یکی از حضار : به احمد بن جعفر قاعدتا باید باشد .

آیت الله مددی : این یکی از راه‌های اتصال اصحاب به قم است یکی اش این است یعنی آن احمد بن ادریس بغداد نبوده این آقا هم قم نبوده این آمده سفر حج این آقا از او اجازه گرفته است این اجازه را به شیخ مفید و ابن غضائری داده است روشن شد بفرمایید آقا من دیگر دارم خسته می‌شود آقا جان پنچر می‌شویم امشب پنچرت به اصطلاح .

یکی از حضار : این قدر زیاد شدند کدام را ادامه بدهیم .

آیت الله مددی : برگردیم به همان طریق . پس غرضم اشاره به این است که می خواهید برای آقای خوئی را بیاورید وطریق الشیخ الیه فی المشیخة بالمحمد بن علی بن محبوب بیاورید

یکی از حضار : ها محمد بن علی بن محبوب آقای خوئی را بیاورم ؟

آیت الله مددی : آها و طریق الشیخ الیه فی الفهرست والمشیخة در مشیخة می‌گوید ضعیف باحمد بن محمد بن یحیی من هنوز شبهه دارم با اینکه نجاشی هم نقل می‌کند احتمال می‌دهم به نحو مراسله همه اش هم دارد حدثنا تعجب آور است تعبیر حدثنا هم دارد نمی‌گوید وجدت مثلا فی کتاب کذا می‌گوید حدثنا .

علی ای حال این من درش شبهه دارم روایتش را به خاطر ایشان تضعیف نمی‌کنم مصدر یابی برای ما مشکل است کار فهرستی اش برای ما مشکل است ، بفرمایید آقا . مگر همین اجازه باشد مگر مراسله باشد یا یک اشتباهی در اسم رخ داده یا مراسله باشد بفرمایید .

یکی از حضار : عجیب است اینجا که دارم می‌بینم آقای خوئی در مدخل ۱۱۳۲۲ نجاشی را آوردند عبارت شیخ در فهرست و رجال را هم آوردند .

آیت الله مددی : آخرهایش می آید قبل از طبقته فی الحدیث

یکی از حضار : بله عرض می‌کنم بعد یک اشکالی هم در مورد اشکال شیخ به سندی که در تهذیب داشته نسبت به ضبط دادند آوردند آن را جواب دادند و بعد فرمودند و طریق الصدوق الیه ابوه فلان دیگر طریق الشیخ را نگفتند

آیت الله مددی : خیلی عجیب است

یکی از حضار : شاید این چون من الان چاپ قدیم است .

آیت الله مددی : شاید نه محمد بن علی بن محبوب نه الاشعری آخر ایشان عناوین را دقیقا همان جور که هست می‌آورند .

یکی از حضار : مدخل محمد بن علی بن محبوب خالی اصلا ندارند

آیت الله مددی : ندارند ؟

یکی از حضار : نه ، من الان در چاپ جدیدتر را هم نگاه کنم .

آیت الله مددی : طریق شیخ را که الان در مشیخه خواندیم که .

یکی از حضار : یک جلد اضافه شده است . در موسوعه نسبت به آن یک جلد اضافه شده است . عبارت‌ها هم تصحیح شده هم چیز شده است .

آیت الله مددی : این را من ندیدم موسوعه را ندیدم .

یکی از حضار : چرا آن جلسه هم اگر خاطر شریفتان باشد بعضی از جاها را مقابله می‌کردیم

آیت الله مددی : الان یادم نمی‌آید نه .

یکی از حضار : چاپ جدید تاریخ چاپش چه سالی است ؟

یکی از حضار : فکر کنم این دیگر مکرر چاپ شده است این که موسوعه است به عنوان موسوعه است .

آیت الله مددی : همین که موسوعه است دوره‌ی آثار ایشان . محمد بن علی نمی‌شود محمد بن علی بن محبوب نباشد .

یکی از حضار : عرض می‌کنم حتما هست اما در اینهایی که احتمالا چیز شده

آیت الله مددی : حالا عبارت شیخ را در فهرست بیاورید .

یکی از حضار : خوب محمد بن علی بن محبوب قال اصلا در همین چاپ جدید الاشعری را از عنوان برداشتند در آن ۱۱۳۳۳ بود در این شده ۱۱۳۵۹ به مدخل‌ها هم اضافه شده عرض کردم و قال الشیخ و قال فی رجاله بقی الشیء عن الشیخ قال فی التهذیب

آیت الله مددی : نه قال الشیخ آخرش طریقش که می‌نویسد به کتبش ما الان دنبال این هستیم دنبال طریق

یکی از حضار : بله عرض کردم خدمتتان این را اینجا هم نیست

آیت الله مددی : له کتب بعد می‌گوید ، اخبرنا بها دارد دیگر قاعدتا

یکی از حضار : بله شیخ دارد اما آقای خوئی چیزی نفرمودند .

آیت الله مددی : حالا بخوانید

یکی از حضار : بجمیع کتبه و روایاته الحسین بن عبید الله وابن ابی جید عن احمد بن محمد بن یحیی عن ابیه عن محمد بن علی بن محبوب

آیت الله مددی : عین همان چیز مشیخه است .

یکی از حضار : عین مشیخه شده است .

آیت الله مددی : عین همان است ، حالا ابن ابی جید هم ایشان اینجا اضافه کرد ابن ابی جید خودش برای قم است احتمال دارد که ایشان فرض کنید احمد بن محمد بن یحیی را دیده باشد ابن ابی جید احتمالش هست اما حسین بن عبید الله برای ما واضح نیست بخوانید بعد چه دارد آقای خوئی آخر کار می‌گویند دیگر .

یکی از حضار : من مدخل بعدی را هم با اجازه‌تان نگاه کنم مدخل بعدی که اشعری خورده هیچ گفتند اقول هذا متحد مع من قبله

آیت الله مددی : تمام شد ؟

یکی از حضار : تمام .

آیت الله مددی : قبلش ندارد که وطریق الشیخ الیه فی المشیخة وفی الفهرست ضعیف

یکی از حضار : نه تعلیقه‌ای نزدند عرض کردم فقط یک روایت هست که شیخ می‌گویند فاما ما رواه محمد بن علی بن محبوب عن کذا و کذا فعبر ما فی الخبر انه ضعیف الاسناد جدا آقای خوئی فرمودند اشکال شیخ به سند است نه به محمد بن علی بن محبوب این تضعیف نیست همین

آیت الله مددی : نه بعدش حتما دارند نمی‌شود که نداشته باشند نه

یکی از حضار : بعد فرمودند که آها بله فقط اینجا را نگاه کنید این جوری شده وطریق الصدوق این یک اضافه اینجا دارد وطریق الصدوق الیه اقول کذا وکذا و ایضا ابوه و حسین بن احمد بن ادریس عن احمد بن ادریس عن محمد بن

آیت الله مددی : این هم اشکال دارد چون حسین بن احمد را توثیق نکردند این هم آقازاده است آقازاده‌ای است که توثیق نشده است .

یکی از حضار : و طریق کطریق الشیخ الیه صحیح فی الفهرست دون المشیخة

آیت الله مددی : اما خیلی عجیب است در هر دو احمد بن محمد بن یحیی هست عرض کردم عادتا مشیخه را ایشان تضعیف کرده عادتا سرش را هم گفتم دیگر شرح‌هایش را هم دادم احمد بن محمد بن یحیی هست درش و این هم عرض کردیم که مرحوم علامه عده‌ای از

اسانید را گفته صحیحٌ با اینکه این شخص درش هست و بعد از آن هم شهید ثانی آمد گفت آقا اینها اصلا توثیق نمی خواهند مشایخ توثیق نمی خواهند لذا بعد از شهید ثانی خیلی از اصحاب او را توثیق کردند به این راه ما اشکالمان چیز دیگری است اشکال فقط این نیست اشکالمان چیز دیگری است ، خوب تمام شد آقا ؟

یکی از حضار : بله البته این در چاپ قبلی هم بوده است .

آیت الله مددی : بله خیلی خوب . خوب این و ما کان فیه و من جملة ما ذکرت عن احمد بهذا الاسناد

یکی از حضار : بله بعد ایشان این را که در چیز احمد را برگردم

آیت الله مددی : و ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی

یکی از حضار : و ما ذکرته فی هذا الکتاب عن محمد بن علی بن محبوب فقد اخبرنی به کذا

آیت الله مددی : بعد

یکی از حضار : و من جملة ما ذکرته باز دوباره عبارت عوض شد .

آیت الله مددی : و من جملة ما ذکرته عن احمد اشعری احمد بن محمد بن عیسی

یکی از حضار : و احمد بن محمد بن عیسی ما روّیته بهذا الاسناد عن محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد

آیت الله مددی : ببینید آقای سیستانی قیدش این بود که مثلا گفته احمد بن محمد بن عیسی در آخر سند هم احمد بن ، اینجا در اول سند احمد بن محمد بن عیسی گفت در آخرش هم احمد بن محمد را تنها آورده است . یعنی ایشان از این راه می خواست تشخیص بدهد که اگر مثلا احمد بن محمد بن عیسی بود یا از کتاب نوادر است یا از کتاب مثلا کافی این که درش احمد بن محمد بود دیگر امشب به این مقدار اکتفا می کنیم بقیه‌ی سندها را فردا شب می خوانیم .

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین